

گفت‌و‌گوی «جوان» با برادر شهید محمدمهدی نجد از شهدای ارتش

کاپیتان تیم عقاب با بال شهادت پر کشید

■ **صغری خیل فرهنگ**

محمدمهدی یکی از بهترین فوتبالیست‌های تیم «عقاب» بود. خودش هم تیم‌را راه‌اندازی کرده و سر و سامان داده بود. وقت خدمت سربازی‌اش که رسید به حرف و حدیث‌ها و اصرا‌ر دوستان و خانواده برای رفتن به جبهه اعتنایی نکرد و در پاسخ‌شان گفت اگر من نرم چه کسی قرار است برودا قبل از رفتن به برادرهایش توصیه کرد «اگر من شهید شدم شما هیچ عایدی از هیچ جایی نگیرید.» خیلی زود پیش‌بینی محمدمهدی به حقیقت پیوست و به عاقبت بخیری رسید. او یک ماه و سه روز بعد از حضورش در جبهه غرب در تاریخ ۲۸ فروردین ۶۳ در مسیر پیرانشهر- سردشت به خیل شهیدان پیوست. رحمت‌الله نجد برادر شهید در گفت‌و‌گو با ما خاطر اتی از این شهید را بیان کرده است.

■ **بهترین بازیکن تیم عقاب**

محمدمهدی در ۲۶خرداد ۱۳۴۳ در روستای مهباندوست دامغان به دنیا آمد. کودکی بسیار پر انرژی و شادابی بود. علاقه زیادی به فوتبال داشت. وقتی بزرگ‌تر شد برای خودش تیم فوتبال درست کرد و اسمش را تیم عقاب گذاشت. او بهترین فوتبالیست روستای مهباندوست و کاپیتان تیم بود.

■ **پل عابر**

پدرم می‌خواست برای برادرم یک خانه بسازد. محمدمهدی به پدرگفت: «من خانه نمی‌خواهم. شما به جای ساختن خانه برای من روی این جوی آب که محل رفت‌وآمد مردم است یک پل درست کن تا مردم راحت‌تر رفت‌وآمد کنند. این کار نوابش از صد تا خانه درست کردن بیشتر است.»

■ **فوت پدر و مادر**

ما خیلی زود پدر و مادرمان را به فاصله کمی از هم از دست دادیم. ما یک برادر داشتیم که در تهران و یک خواهر هم داشتیم که در شاهرود زندگی می‌کرد. من و محمدمهدی و برادرم حسین با هم در خانه پدری زندگی می‌کردیم و هوای هم را داشتیم. آن‌روزها به محمدمهدی خیلی سخت گذشت ولسی او با صبور‌ی با مشکلات و تلخی‌هایش کنار آمد. چند سال با هم بودیم و روزهای خوش و ناخوش را با هم تجربه کردیم. من خودم غذا درست می‌کردم و لباس می‌شستم. تا این‌که محمدمهدی به خدمت مقدس سربازی رفت. من خدا را شاکرم

روایت

روایتی از لحظات شهادت حجت‌الله رازیان از زبان برادرش

لبخند آخرش را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم

از مدتی به منطقه زبیدات عراق اعزام شد و حین خدمت در ۲۶ فروردین ۶۵ بر اثر اصابت ترکش خمپاره به پهلو‌ی چپ و پای راست به شهادت رسید.

■ **عکسی برای شهادت**

شهید در لشکر تکاور ذوالفقار خدمت می‌کرد. مرخصی که آمد، لباسش را هم با خودش آورد. پوشید و گفت: «می‌خواهم یک عکس یادگاری بگیرم که هر کجا لازم شد از آن استفاده کنم. این بهتر است یا با کت و شلوار؟» خوش تیپ شده بود. گفتیم: «این لباس خیلی به تو می‌آید.» رفت عکاسی و با همان لباس عکس انداخت. آخرین مرخصی‌اش بود و عکسش در مراسم استفاده شد.

■ **گل‌های تبریک!**

چند روز بعد از شهادتش نامه‌اش از جبهه به دستمان رسید. چند گلبرگ گل محمدی هم داخل پاکت بود. با اینکه خشک شده بود، ولی مثل گل تازه خوشبو بود. نوشته بود: «این گل‌ها را خانواده شهیدا که به منطقه آمده بودند، به من دادند و به عنوان تبریک برای شما می‌فرستم.»

■ ■ ■

■ **لشکر ۵۸ذوالفقار**

حجت‌الله ۵دی ۱۳۴۴ در سمنان متولد شد. کلاس سوم ابتدایی بود که پدرمان فوت کرد. زمان انقلاب با کمک یکدیگر اعلامیه‌ها و بیانیه‌های امام خمینی(ره) را در محل توزیع می‌کردیم. سال ۶۳حجت‌الله موفق شد دیپلمش را بگیرد. به سن سربازی که رسید، به لشکر ۵۸ذوالفقار شاهرود معرفی و پس از آموزش در مخبرات گردان ۳۴۴مشغول خدمت شد. بعد



ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۸۱

ارتباط با ما ۸۸۴۹۸۸۱



بخیری رسید. محمدمهدی یک ماه و سه روز بعد از حضورش در جبهه غرب در تاریخ ۲۸فروردین ۶۳ در مسیر پیرانشهر- سردشت به خیل شهدا پیوست.

■ **چشم‌های خیره به تابوت**
و گفت: «اگر من شهید شدم شما هیچ پولی از هیچ جایی نگیرید.» خیلی زود پیش‌بینی محمدمهدی به حقیقت پیوست و به عاقبت

برود، پیش خواهر‌مان برای خداحافظی رفت. خواهرم به محمدمهدی گفته بود: «تو داداش! اگر تو بروی من می‌میرم.» گفته بود: «نه ایچی! برادرهای دیگرت هستند. همه دارند می‌روند جنگا. مگر نمی‌بینی؟!» بعد از مدت کوتاهی به ما زنگ زدند و خبر شهادت مهدی را به ما دادند. وقتی خبر شهادتش را به ما دادند شوکه بودیم. چشم‌انمان به تابوت برادر شهیدمان بود و آرام آرام گریه می‌کردیم. خیلی‌ها برای تسلی خاطرمان آمدند و دلداری‌مان دادند. محمدمهدی همیشه دوست داشت در روستا بماند و به پیرمردها و پیرزن‌ها کمک کند.

■ **کارگر بنا**

برادرم گاهی کارگری می‌کرد. رفته بود پیش یک استاد بنایی و مشغول به کار بنایی شده بود. این بنا بعد از شهادتش برایمان تعریف می‌کرد: «محمد مهدی بچه ساده و مخلص‌ی بود. در بند پول نبود. آن موقع کارگر مزدش ۲۰۰ تومان بود. من به او می‌گفتم صدتومان بیشتر به شما نمی‌دهم. می‌گفت من پول نمی‌خواهم! همین مبلغی هم که از من می‌گرفت می‌رفت برای بچه‌هایش و توپ می‌خرید.»

■ **چشم‌ه راه**

اصغر عاقلی یکی از دوستان دوران آموزشی محمدمهدی بود. برایمان تعریف می‌کرد که در دوران آموزشی یک بار برای رزم شبانه به منطقه رفتیم. هر چه تلاش می‌کردم به مهدی برس‌م نمی‌رسیدم. به او گفتم: «اهسته‌تر برو تا به تو برس‌م.» جواب داد: «سر‌ع بیا دشمن در کمین است!» گفتم: «کو است ولی مثل منطقه جنگی باید عمل کنیم و جدی بگیریم.» من از او درس ایستادگی، مقاومت و مردانگی آموختم. یادم است در همان شب که فردایش به شهادت رسید نماز شب خواند و در حال مناجات با خدا بود. عشق به امام زمان (عج) داشت و همواره با امامش مناجات می‌کرد و می‌گفت: «بیابا که سوختم ز عشق روی ماه تو تمام عمر دوختم دو چشم خود به راه تو»

نگاه



۲۹ فروردین رژه تاریخی رزمندگان ارتش در سراسر ایران

ارتش حامی صدیق امام و انقلاب

■ **زهر احمدزاده**

۲۹ فروردین به نام روز ارتش نامگذاری شده است. در این روز حضرت امام فرمان دادند تا نیروهای ارتش در اقصی نقاط ایران رژه برونند و به این ترتیب قدرت خود را به رخ دشمنان و خصوصاً ضدانقلابی بکشانند که خواستار انحلال ارتش بودند. حضرت امام در بخشی از پیام‌شان فرموده بودند: «روز ۲۹ فروردین روز ارتش اعلام می‌شود. ارتش محترم در این روز در شهرستان‌های بزرگ با ساز و برگ به رژه بپردازند و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران و حضور خود را برای فداکاری در راه استقلال و حفظ مرزهای کشور اعلام نمایند.»

روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ستاد مشترک ارتش اعلام بی‌طرفی کرد. این اعلامیه به صراحت بیان می‌کرد دیگر ارتش نمی‌خواهد از رژیم پهلوی حمایت کند و معنای آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. پس از پیروزی انقلاب، برای مدت کوتاهی ارتش توسط کمیته‌های انقلاب اداره می‌شد اما پس از آنکه سپهبد قری فرماندهی ستاد مشترک ارتش را برعهده گرفت، به سرعت فرماندهان نیروی سه گانه ارتش را انتخاب کرد و با بازیابی هویت مستقل ارتش، این نیرو تمام‌قد در خدمت امام و انقلاب و کشور قرار گرفت. اما در همان زمان جریان‌هایی چه از داخل بدنه انقلاب و چه از خارج آن سعی می‌کردند تا ارتش را تضعیف کنند. در این بین احزاب چپ که پیش از انقلاب نیز به مبارزات مسلحانه پرداخته و در جریان انقلاب تسلیحات بسیاری را به بیغما برده بودند، شعار انحلال ارتش را سر می‌دادند. آنها داعیه تشکیل نیروی نظامی را برای حراست از انقلاب داشتند. در کنار این گروه‌ها بودند اشخاصی در بدنه انقلاب که به هر طریق به ارتش اعتماد نداشتند و به عمد یا غیر عمد سعی در تضعیف آن داشتند. شعار ارتش بی‌طبقه توحیدی، یکی دیگر از اقداماتی بود که عموماً گروه‌های چپ و ضد انقلاب سر می‌دادند و چون نتوانستند ارتش را منحل کنند، می‌خواستند با طرح شعار ارتش بی‌طرفانه و بی‌طرفی انقلاب به با چنین پیش زمینه‌ای، وقتی انقلاب به پیروزی رسید، حضرت امام حتی با نام و چهره و برخی نظامیان ارتشی به خوبی آشنایی داشتند و به میزان تقید مذهبی و انقلابی آنها واقف بودند. از این رو در حالی که گروه‌های چپ و برخی انقلابیون ناآگاه شعارهایی را علیه انحلال ارتش سر می‌دادند، این شخص امام بود که دستور دادند تا نظامیان ارتشی در سراسر ایران رژه بروند و به این ترتیب حمایت قاطع خود را از ارتش اعلام کردند و این روز (۲۹ فروردین) به نام روز ارتش نامگذاری شد.

روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ستاد مشترک ارتش بی‌طرفی کرد. این اعلامیه به صراحت بیان می‌کرد دیگر ارتش نمی‌خواهد از رژیم پهلوی حمایت کند و معنای آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. پس از پیروزی انقلاب، برای مدت کوتاهی ارتش توسط کمیته‌های انقلاب اداره می‌شد اما پس از آنکه سپهبد قری فرماندهی ستاد مشترک ارتش را برعهده گرفت، به سرعت فرماندهان نیروی سه گانه ارتش را انتخاب کرد و با بازیابی هویت مستقل ارتش، این نیرو تمام‌قد در خدمت امام و انقلاب و کشور قرار گرفت. اما در همان زمان جریان‌هایی چه از داخل بدنه انقلاب و چه از خارج آن سعی می‌کردند تا ارتش را تضعیف کنند. در این بین احزاب چپ که پیش از انقلاب نیز به مبارزات مسلحانه پرداخته و در جریان انقلاب تسلیحات بسیاری را به بیغما برده بودند، شعار انحلال ارتش را سر می‌دادند. آنها داعیه تشکیل نیروی نظامی را برای حراست از انقلاب داشتند. در کنار این گروه‌ها بودند اشخاصی در بدنه انقلاب که به هر طریق به ارتش اعتماد نداشتند و به عمد یا غیر عمد سعی در تضعیف آن داشتند. شعار ارتش بی‌طبقه توحیدی، یکی دیگر از اقداماتی بود که عموماً گروه‌های چپ و ضد انقلاب سر می‌دادند و چون نتوانستند ارتش را منحل کنند، می‌خواستند با طرح شعار ارتش بی‌طرفانه و بی‌طرفی انقلاب به

با چنین پیش زمینه‌ای، وقتی انقلاب به پیروزی رسید، حضرت امام حتی با نام و چهره و برخی نظامیان ارتشی به خوبی آشنایی داشتند و به میزان تقید مذهبی و انقلابی آنها واقف بودند. از این رو در حالی که گروه‌های چپ و برخی انقلابیون ناآگاه شعارهایی را علیه انحلال ارتش سر می‌دادند، این شخص امام بود که دستور دادند تا نظامیان ارتشی در سراسر ایران رژه بروند و به این ترتیب حمایت قاطع خود را از ارتش اعلام کردند و این روز (۲۹ فروردین) به نام روز ارتش نامگذاری شد.

■ **گل‌های تبریک!**

چند روز بعد از شهادتش نامه‌اش از جبهه به دستمان رسید. چند گلبرگ گل محمدی هم داخل پاکت بود. با اینکه خشک شده بود، ولی مثل گل تازه خوشبو بود. نوشته بود: «این گل‌ها را خانواده شهیدا که به منطقه آمده بودند، به من دادند و به عنوان تبریک برای شما می‌فرستم.»

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۴۳

۷	۹	۱			
		۵		۴	۲
			۶		۴
		۱	۶	۷	
۹	۶				۷
		۱	۳	۴	
			۲		
				۲	۵

جدول سودوکو

ارقام ۹تا ۹طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه در سه فقط یک بار

به کار روند

جدول کلمات متقاطع

■ **پاسخ جدول شماره ۶۶۴۲**

ا	و	ا	ی	ز	ب	ا	د
ا	د	و	ب	ا	و	ا	ز
ز	ب	ا	د	ا	ا	و	ی
ا	ا	و	ا	د	و	ز	ب
ا	و	ب	ا	ز	ا	ا	و
د	ا	ز	ب	ا	و	ا	ا
و	ا	ا	ز	ب	ا	و	ا
ب	ا	د	ا	و	ا	ز	ب
و	ز	ب	ا	د	ا	و	ا
ب	ا	د	ا	و	ا	ز	ب
و	ز	ب	ا	د	ا	و	ا
ا	و	ا	ز	ب	ا	د	ا

۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز
د	و	د	و	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز	ا	ی	ز

از بالا به پایین

■ ۱- طرحی در راستای پاسنگویی به نیاز مردم در زمینه خانه‌دار شدن- باشگاهی در فوتبال ترکیه- ۲- چک- از میوه‌های وارداتی- از گازهای تشکیل دهندهٔ سطح خورشید- ۳- شهری در کرمان- کار عادی و روزمره- نیروی نظامی هر کشور- ۴- مادر فریدون- معشوق- تکرار حرف آخر- ۵- گستاخ- تازه و بانشاط- ۶- خمپاره- شاعر شمع و پروانه- نام قدیم تایلند- ۷- نوعی حلوا- سرمربی اسبق پرسپولیس- عسای درویشان- ۸- خودبینی و خودستایی- نام یکنام، ستاره پیشین فوتبال انگلیس- پول بنگلادش- ۹- لقب امریکایی‌ها- روشن و واضح- خار سر دیوار- ۱۰- رهاورد زلزله- کفش روسی- درس زورکی- ۱۱- سخن تبا‌لود- به دنیا آمدن- ضرورت ورزش تیراندازی- ۱۲- خاک کوزه‌گری- از لشکرهای قهرمان سپاه ایران در سال‌های دفاع مقدس- دندان‌های نیش - ۱۳- جزیره مرجانی- پول نیجریه- ورزشی مفرح- ۱۴- پایتخت کشور نیجر- چاپلوسی- مترادف جاق - ۱۵- یکطرفه و یکسویه- از درجات نیروی دریایی